

رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» تشریح کرد؛

روی دیگر سکه روابط تجاری تهران – بغداد

جمشید نفر، رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» باصراحت در مورد دهمز مانی تصمیم دولت عراق مبنی بر ممنوعیت واردات ۱۷ قلم محصول کشاورزی از ایران و اعتراض کمپینی – تحریمی شهر وندان عراقی با هشتک «خلوها – تخیس» به معنای «بگذارید بگندد»؛ معتقد است که اعلام خود کفایی از سوی دولت عراق بهانه است و در واقع روی دیگر سکه روابط تهران و بغداد نشان می‌دهد که فضای ضد ایرانی در این کشور باعث لغو صادرات شده است. پیش از این اتفاقات نیز دولت عراق تعرفه‌های واردات از ایران را تغییر داد که به واسطه آن افلامی همچون سیمان، آلومینیوم، تخم مرغ، مواد غذایی و فولاد به سختی به عراق صادر می‌شد یا اصلا صادر نمی‌شد. رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی می‌گوید: «مانمی توانیم با تمام دنیا بجنگیم، ما باید وارد بازی برد – برد شویم. بازی برد – باخت در رویکردهای سیاسی و اقتصادی جهان دیگر جایگاهی ندارد.»



امر تاجه انداز ه از سوی دیپلماسی دو کشور قابل کنترل است؟

بحران‌های پیش آمده در عراق به یک فاکتور مربوط نمی‌شود و عوامل بسیاری در رخداد آن دخالت دارند. جوروانی و فضای ملتپب عراق باید در مسیر صحیح هدایت، مدیریت و مهار شود که این امر به طرف عراقی بستگی دارد. دنیای جنگ و رقابت در منطقه موجب شده است که عراقی‌ها نیز با تحریک دشمنان ایران واکنش‌های اعتراضی نشان دهند که این امر هم در حوزه سیاسی و هم در دنیای روابط تجاری می‌تواند برای ایران موانع زیادی را ایجاد کند.

اما آنچه مسلم است این وضعیت هر روز محدودکننده‌تر می‌شود و دستیابی به روند سابق صادراتی را با موانع بیشتر روبرو می‌کند. شرایط موجود در عراق نشان می‌دهد که سیاست‌های ما در حوزه دیپلماسی سیاسی و اقتصادی ضعف‌های آشکاری دارد. ما باید در مورد تجارت با کشورهایمانند عراق، افغانستان و سوریه سیاستی را اتخاذ کنیم که آرامش و ثبات را در دستور کار داشته باشد تا بتوانیم هدف‌های صادراتی مان را به این کشورها بآرنامهریزی میان مدت و بلندمدت دنبال کنیم.

در حال حاضر بازار عراق با تمام پتانسیل‌های درخور توجه برای هدف‌های صادراتی ایران باتوجه به گسترش ناآرامی‌ها و اعتراض‌های ضد ایرانی بخشی از مردم این کشور، با محدودیت زیاد همراه و در مواردی به صورت کامل از دست‌ماخارج شده است. نمونه این اعتراض‌ها را چند سال پیش در افغانستان نیز شاهد بودیم.

این امر نشان می‌دهد که در دیپلماسی سیاسی باید تدبیر و درایت بیشتری را مدنظر قرار دهیم زیرا تکرار این نوع اعتراض‌ها گویای این امر است که از اتاق فکر واحدی تبعیت می‌کنند که می‌خواهد از اعتراضات مدنی برای اهداف ویژه سیاسی خود نهایت استفاده را ببرد؛ ضمن اینکه در حوزه تجاری نیز ایران را با آسیب اقتصادی و موانع تحریمی روبرو کنند.

براین اساس باید در مورد مسائل سیاسی منطقه و ریشه‌های مشترک فرهنگی به گونه‌ای حرکت کنیم که منافع و حریم‌های موردنظر کشورهای همسایه حفظ شود. دولت عراق هم‌اکنون برای راضی نگه داشتن افکار عمومی و تعامل با بخشی از مردم معترض عراق که علیه دولت ایران و سیاست‌های آن تجمع می‌کنند، در تنگنا قرار دارد که برای مدیریت بحران‌های پیش آمده مجبور است بخشی از ارتباط بازرگانی خود با

در عراق آیا این چشم‌انداز قابل تحقق است؟

خبر اعتراض‌های مدنی عراقی‌ها وعدم پذیرش بسیاری از کالاهای ایرانی در بازار عراق رسیدن به این چشم‌انداز را با تاخیر و موانع بسیاری همراه کرده است. براین اساس برای دستیابی به این منظور نخستین کار مدیریت بحران پیش آمده است که در این زمینه بهتر است ایران در قالب توجه قرار نگیرد تا در قدم بعدی با رسیدن به فضای تعامل بتوانیم مسیر رسیدن به رقم‌های صادراتی موردنظر را هموار کنیم.

■ یعنی به نظر جناب عالی برای مدیریت جریان اعتراضی پیش آمده در عراق؛ ایران باید دیپلماسی «سکوت» را اختیار کند؟

بحث سکوت نیست؛ اما نشان دادن واکنش از سوی ایران تنش‌های موجود در عراق را بیشتر خواهد کرد، باید تصمیمات مامبتنی بر منطق و آرامش باشد. ما باید فضای گفتگو با دنیا را برقرار کنیم. من موافق این نیستم که در مقابل زورگویی‌های دنیا سر تسلیم فرود آوریم، ولی موافق این موضوع هستم که باید از منافع کشورمان در حیطه بین‌المللی دفاع کنیم که در این زمینه تلاش‌های وزیر امور خارجه قابل تحسین است. ایشان با شجاعت از دیپلماسی سیاسی و اقتصادی کشور دفاع می‌کنند که امیدوارم در ادامه از سوی جریان‌های داخلی کشور سیاست‌های مداخله‌جویانه مانع جدیدی را برای پیشبرد اهداف وی به وجود نیآورد. ما باید وارد بازی برد – برد شویم. بازی برد – باخت در رویکردهای سیاسی و اقتصادی جهان دیگر جایگاهی ندارد. بنابراین ضمن حفظ منافع باید از اعمال سیاست‌هایی که منجر به تشدید التهاب در منطقه می‌شود خودداری کنیم.

■ در گذشته هدف‌گذاری صادراتی با توجه به تحریم‌ها بیشترین تخم مرغ تجارت خارجی را در سبد عراق گذاشت، اما اکنون از سوی دیگر در تازه‌ترین اقدام بانک مرکزی اعلام کرده است در سیاست‌های بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور؛ صادرات ریالی به معنای خروج سرمایه است و آن را به رسمیت نمی‌شناسد. ضمن اینکه چالش‌های پیرامون FATF نیز وجود دارد، با در نظر گرفتن این موارد مبادلات ما با بازارهای صادراتی در آینده با چه موانعی روبرو است؟

برای رفع مشکلی که به آن اشاره کردید باید پرتقوی صادراتی ایران چه از نظر تنوع کشورها و چه در مورد فرآورانی نوع کالاها در اولویت برنامه‌های توسعه صادراتی قرار گیرد. تمرکز و توجه تنها به چند کالا و بازار هدف صادراتی همیشه می‌تواند با خطر همراه باشد. وقتی ۲۵ تا ۳۰ درصد از صادرات تنها به سمت یک کشور هدایت می‌شود در صورت بروز اتفاقاتی که منجر به فریز شدن جریان اقتصادی آن کشور باماشود، بازار صادراتی ما ضربه سختی را تجربه می‌کند؛ ولی در صورتی که پرتقوی صادراتی به گونه‌ای باشد که بالای ۵ درصد در سبد صادراتی ما نباشد در آن

صورت قابل کنترل و مدیریت

بیشتری است.

این سیاست در مورد

کالاهای صادراتی نیز

صدق می‌کند. در حال

حاضر پرتقوی کالاهای

صادراتی ماسمتر کمز بر

پتروشیمی و فولاد است

که اگر در ادامه صادرات این

کالاهایا مانع روبرو شود در بحث صادرات غیرنفتی

با چالش قابل توجهی مواجه خواهیم شد.

از سویی دیگر تحریم‌های موجود مبادلات

را با اتحادیه اروپا و دیگر کشورها بسیار محدود

کرده است که در این شرایط برقراری دیپلماسی

اقتصادی با کشورهای همسایه می‌تواند بهترین

گزینه باشد. اما نباید تنها به این کشورها قناعت

کنیم به همین منظور اتفاق بازرگانی تفاهم‌نامه

اوراسیا را در دستور کار قرار داد که گشایش‌های

خوبی را برای بازارهای هدف مارقم می‌زند.

اما توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که

مناسفانه ما تصمیم‌های درست را در زمان درست

اتخاذ نمی‌کنیم. از آنجا که اقتصاد مادر طول این

سال‌ها اقتصاد محور نبوده و تنها مبتنی بر صادرات

و درآمدهای نفتی بوده است، طبیعی است که با

محدودیت‌های تحریم صادرات نفت؛ بوده کشور

با کسری فراوان همراه شود.

در مورد سیاست‌های بازگشت ارز حاصل از

صادرات به چرخه اقتصادی کشور که مورد تاکید

بانک مرکزی است هم باید به این نکته توجه داشت

که اگر ارز صادراتی یک ارزش است باید در زمان

مناسب که تنگنهای تحریمی برقرار نبود و با

وجود گستردگی صادرات امکان خرید ۱۰ درصد

از ارز حاصل از صادرات وجود داشت؛ این مهم در

اولویت برنامه بانک مرکزی قرار می‌گرفت و نه

امروز که محدودیت‌های بسیاری در این مسیر

عرصه را بر فعالان تجاری تنگ کرده است.

صادرات نفتی مادر شرایط اخیر به سختی

صورت می‌گیرد بر این اصل الزام بر اجرای FATF

مورد تاکید است زیرا مرادوات مالی و توافقات

بین‌المللی بر یک پایه و اساس مشخص تعیین

شده و در صحنه بین‌المللی باید تراکنش‌ها

به صورت شفاف انجام شود. در واقع تصویب

FATF این امکان را به ایران می‌دهد که مانند

سایر کشورها وارد مرادوات مالی بین‌المللی

شود زیرا اکثر کشورهای جهان این کنوانسیون

را پذیرفته‌اند.

امروز FATF و مقررات آن شرط حضور

سیستم بانکی و تجارت خارجی ایران در بیرون

از مرزهاست. اگر نتوانیم از این ابزار در مهلت باقی

مانده استفاده کنیم و آن را به تصویب برسانیم،

سیستم تبادل مالی ما با دنیا فلج خواهد شد و در

ادامه حتی امکان تجارت با کشورهای همسایه را

نیز از دست می‌دهیم.

معتقدم باید بحث FATF به سرانجام برسد

تا فشار بر گلوگاه‌های اقتصادی کمتر شود چرا

که در صورت استمرار این شرایط و قرار گرفتن در

فهرست سیاه در حالی که بخش زیادی از بازار عراق

را هم از دست داده‌ایم؛ تجارت خارجی به شرایط

بحرانی نزدیک می‌شود.

ما نمی‌توانیم با کل دنیا بجنگیم. باید قوانین

بین‌المللی را قبول کنیم. امروز دنیا مانند یک

باشگاه مدیریت می‌شود که قوانین خاص خود را

دارد؛ بنابراین در بسیاری از موارد ما ملزم هستیم

حتی اگر منافع مان با آنها هماهنگی ندارد قوانین

بین‌المللی را اجرا کنیم.

■ در بحث گسترش بازارهای تجاری موضوع اتحادیه اوراسیا از ابتدای سال جاری مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ اما سهم ایران از این بازار ۳۱۸ میلیارد دلاری تنها ۳۵۴ درصد است؛ آیا این امکان وجود دارد که سهم ایران از این بازار افزایش پیدا کند؟

بله ۳۵ درصد سهم بسیار کمی است.

یکی از بزرگترین فاکتورهایی که می‌تواند

موجب گسترش تجارت بین کشورها

شود؛ موافقت‌نامه‌های تعرفه‌ای است که

خوشبختانه در تفاهم‌نامه اوراسیا این

اتفاق افتاده است که در صورت وجود

برنامه هدفمند این میزان سهم می‌تواند

رقم قابل توجهی از افزایش را تجربه و

جایگاه ایران را در این بازار قدرتمندتر

کند. در این زمینه

خود کفایی عراق در تولید برخی محصولات کشاورزی هرگز دلیل ممنوعیت واردات ۱۷ نوع از محصولات کشاورزی ایران به این کشور نیست، بلکه فضای ملتهب ضد ایرانی به وجود آمده باعث شده که دولتمردان عراقی این تصمیم را اجرایی کنند

منطقه‌ای که این اتحادیه را پوشش می‌دهد حدود ۱۸۴ میلیون نفر جمعیت دارد. عنوان موافقتنامه ایران و اتحادیه اوراسیا، ترجیحات تعرفه‌ای است که به تدریج به سمت تجارت آزاد حرکت خواهد کرد.

امضای توافقنامه با اتحادیه اوراسیا به تعبیری به این معنی است که ایران برای اولین بار به یک سازمان تجاری منطقه‌ای وارد شده است. اهمیت توافقنامه ایران با اتحادیه اوراسیا از آن جهت است که موفقیت پیمان تجاری با اوراسیا زمینه‌ساز ورود ایران به پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تجاری است.

در سال ۲۰۱۸ میزان واردات اتحادیه اوراسیا ۳۱۸ میلیارد دلار بود که از این میزان واردات سهم واردات از ایران ۹۱۵ میلیون دلار است یعنی ۰٫۳ درصد کل واردات اتحادیه اوراسیا سهم ایران است. در واقع از اجرای موافقت‌نامه موقت تجارت آزاد اوراسیا از تاریخ ۱۵ آبان سال جاری تا ۸ آذر ماه صادرات ترجیحی به اوراسیا از سمت ایران ۲۸ ممیز ۲ میلیون دلار بوده و واردات ترجیحی نیز ۱۶۶ میلیون دلار گزارش شده است.

بر این اصل در شرایط فعلی کشورهای اوراسیا یک امکان و ظرفیت بسیار خوب است که ما باید از این ظرفیت استفاده بهینه کنیم تا صادرات و واردات کالاهای مورد نیاز انجام شود.

■ سال گذشته سوریه به عنوان یک هدف جدید صادراتی در حوزه خدمات مهندسی و صادرات کالا مورد تاکید اتاق بازرگانی بود که با عدم اقبال بازرگانان مواجه شد، اتاق بازرگانی علت را طولانی بودن مسیر حمل کالا عنوان کرد و از همان زمان رایزنی‌های بسیاری را با دولت عراق برای استفاده از مرزهای این کشور در جهت کاهش زمان ارسال کالا به مقصد سوریه انجام داد، اکنون با توجه به ر خدادهای عراق دسترسی به بازارهای سوریه با مانع بعد مسافت همراه است و به نوعی این بازار نیز از دست ایران خارج شده است، اتاق بازرگانی آ مقاصد هدف جدیدی را برای گسترش تجارت خارجی ایران در دستور کار دارد؟

به نکته درستی اشاره کردید. در مورد بازار هدف صادراتی به کشور سوریه تمام تلاش اتاق بازرگانی بر کوتاه کردن مسیر صادراتی از طریق خاک عراق بود که اکنون با وجود ناآرامی و بحران در این کشور مانع دیگری در مسیر صادرات به کشور سوریه ایجاد شده است. در واقع بر روز اعتراض‌های ضد ایرانی در بخش‌هایی از عراق دیو بازار هدف را برای ما بامانع همراه ساخته است. این مسئله نشان می‌دهد که تاکید بر گسترش پرتقوی صادرات محور ما باید در اولویت برنامه‌ریزی‌های تجارت خارجی قرار گیرد تا با بروز ناآرامی حول محور چند کشور خاص، تجارت خارجی ماقفل نشود.

اما در حال حاضر از آنجا که سوریه یک هدف بسیار مهم در مسیر توسعه بازارهای تجاری با توجه به تحریم‌ها برای ایران است، دشمنان مانیز در این رهگذر سیاست‌های آشوب طلبانه خود را دنبال می‌کنند تا دستیابی به این مهم برای ایران سخت شود.

ایجاد موج‌های سیاسی که تاثیر آن بر بازارهای اقتصادی نیز مشهود است از جمله مواردی است که در سال‌های اخیر مورد توجه این دشمنان قرار گرفته است چرا که با تحریک بازار عراق با یک تیر دو نشان را هدف قرار داده‌اند یعنی حضور ایران را در بازار عراق کم رنگ کرده و دسترسی به بازار سوریه را با محدودیت بسیار همراه کرده‌اند.

براین اساس امروز باید از این تجربه نهایت استفاده را داشته باشیم و برای ادامه مسیر پرتقوی صادراتی قدرتمندی را چه به جهت کالا و چه از نظر تعدد کشورهای هدف صادراتی مورد توجه قرار دهیم و در کنار آن زیرساخت‌ها را نیز آماده کنیم که این مسئله با توجه به شرایط تحریمی کار ساده‌ای نیست و ولی با دوراندیشی و تلاش قابل دستیابی است.



مهدی آذانی